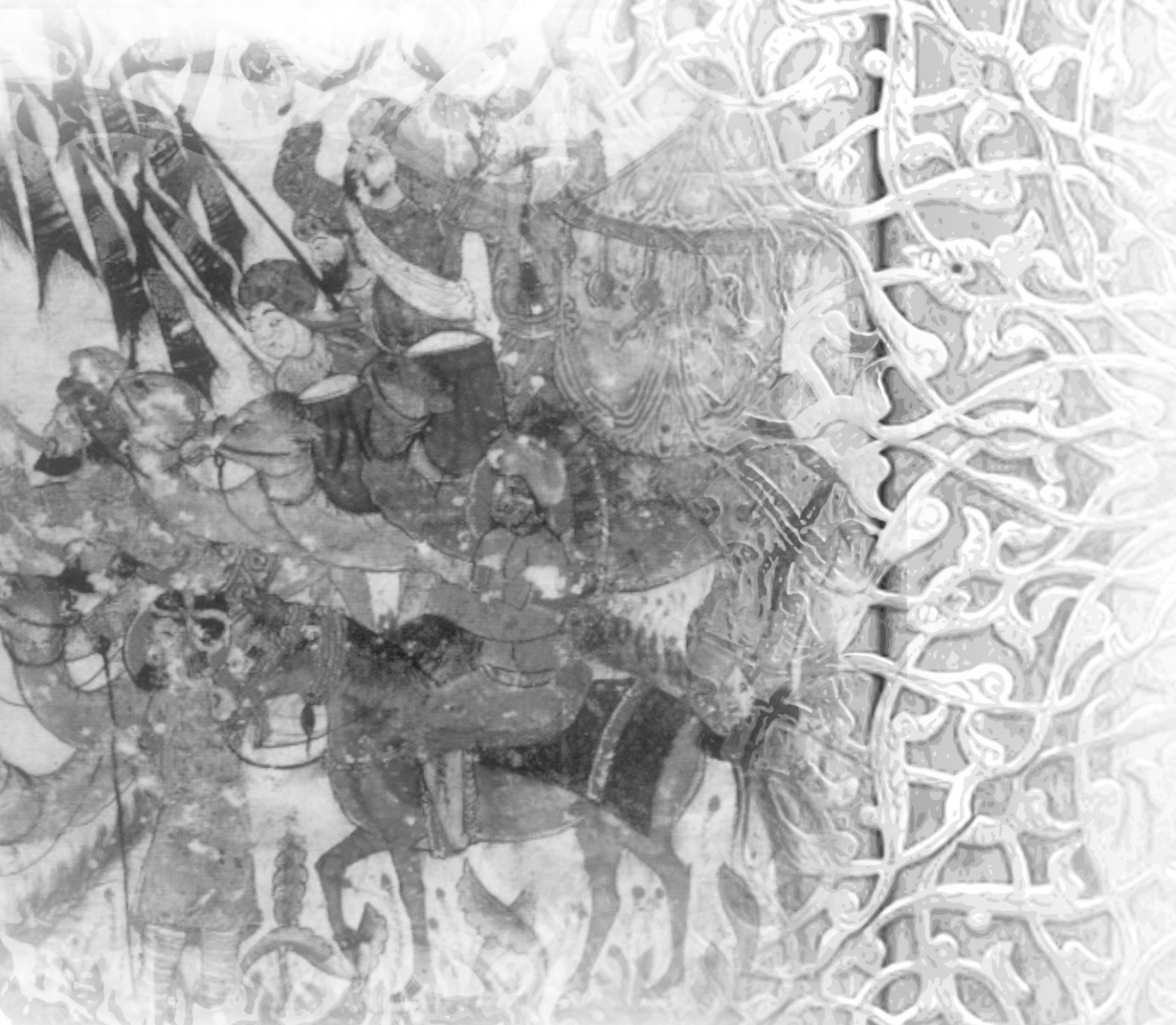


خاطرات



«پرواز بر بال نیابت»



محمد رضا سبحانی نیا

«پرواز بر بال نیابت»

حج میثاق بنده و پروردگار است و از بزرگترین فرایض الهی به شمار می آید. همه ساله، افزون بر صدها میلیون دل بی قرار در موسم حج، از راه دور، لحظه لحظه مراسم حج را در ذهن خود مرور می کنند، میلیون ها تن نیز از سراسر دنیا سختی های این سفر را بر خود هموار کرده و در حرم امن خدا گردهم می آیند تا ضیافت الهی را رونق ببخشند.

آن هنگام که زائر بیت الله لباس تعلقات دنیا را از تن دور می کند و جامه سفید میهمانی می پوشد و دوشادوش دیگر مسلمانان، از نقاط مختلف دنیا، با رنگ ها فرهنگ ها و زبان های متفاوت، می ایستند و ندای «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» سر می دهد، بر شکوه و زیبایی

مسلمانی‌اش افتخار می‌کند و از این که چونان قطره‌ای در این دریای موج سفید پوشان، تا ساحل ساده و بی‌آلایش کعبه در تلاطم است، به خود می‌بالد.

بر اساس آیات قرآن^۱ و روایات ائمه اطهار علیهم‌السلام^۲ در زندگی هر مسلمانی، به شرط توانایی و استطاعت، یک بار حضور در مراسم حج واجب است. اما شرکت همه ساله در حج و کثرت انجام این عبادت الهی، در روایات دیگری مورد تأکید و تشویق قرار گرفته است.^۳ امام صادق علیه‌السلام به عیسی بن ابی منصور سفارش می‌کند که: اگر بتوانی نان و نمک بخوری ولی همه ساله به حج بروی چنین کن.^۴

و امام سجاد علیه‌السلام در دعای خود، از خداوند می‌خواهد که حج و عمره را تا زمانی که زنده است همه ساله روزی او سازد.^۵ در روایت دیگری بی‌نیازی و توانگری^۶، سلامتی از بیماری‌ها^۷، خیر کثیر^۸ و دوری از هراس قیامت^۹ از آثار پیوسته حج گزاران به شمار آمده است.

برخی از حاجیان که توفیق سفرهای متعدد حج رایافته‌اند، پس از انجام حج واجب خود، سفرهای دیگرشان را به نیابت از افرادی که این توفیق نصیبشان نشده، به جا می‌آورند و از آن روی که حج نیابی؛

چه از طرف افرادی که دستشان از این دنیا کوتاه است یا آنان که به جهت کهولت سن یا بیماری، توان این واجب الهی را ندارند، به صورت تبرعی یا استیجاری انجام می‌پذیرد، به نظر می‌رسد که تلقی خوبی از انجام حج نیابی در اذهان نباشد و برخی را گمان آن است که این عبادت خالصی نیست اما با توجه به روایت امامان معصوم علیهم‌السلام این تلقی نابجایی است. بر اساس دسته‌ای از احادیث، انجام حج نیابی به هر دو صورت، نه تنها پسندیده است، بلکه ثواب و پاداش بیشتری هم دارد.^{۱۰}

بر اساس سخن نورانی پیامبر گرامی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم خدای متعال با یک حج سه نفر را وارد بهشت می‌سازد؛ «مرده»، «کسی که از طرف مرده حج نیابی به جای آورده» و «آن که برای مرده نایب گرفته است».^{۱۱} هم‌چنین آن بزرگوار بازماندگان مرده را به انجام حج به نیت فرد در گذشته ترغیب می‌کردند.^{۱۲}

امام صادق علیه‌السلام در پاسخ ابن مسکان، که از پاداش نایب در حج سؤال می‌کند می‌فرماید: «کسی که به نیابت از دیگری حج می‌کند پاداش ده حج را دارد».^{۱۳}

در سخن دیگری، علاوه بر پاداش ده حج، آمرزش الهی را تحفه حج برای فرد نایب و همه خویشاوندانش به حساب



می آورد. ۱۴

موسی بن اسماعیل که در سالی دیگر طواف نیابی خود را بر امام علیه السلام گزارش می کند، عملش مورد تأیید امام علیه السلام قرار گرفته و به علاوه امام علیه السلام او را به نیابت طواف از مادر بزرگوارش حضرت فاطمه زهرا علیها السلام ترغیب می کنند. ۱۹

نگارنده سطور، که در موسم حج تمتع سال ۱۴۲۷ هـ.ق. توفیق تشرّف به اماکن مقدس مکه و مدینه و انجام حج نیابی را داشتم، بر آن شدم که پس از بررسی روایات حج نیابی، نگاه کوتاهی به نیابت در حج، در فرهنگ زائران ایرانی داشته باشم.

در شهر مکه مکرمه، یکی از پرسش هایی که بارها از روحانیان کاروان ها پرسیده می شد، امکان نیابت در اعمال، به ویژه عمره مفرده و طواف نیابی بود. روحانیون کاروان ها، نظر به فتوای احتیاطی مراجع معظم تقلید نسبت به انجام دو عمره در یک ماه قمری، زائران را به انجام عمره مفرده تشویق نمی کردند. با این حال، به هنگام احرام برای عمره مفرده، بیشتر زائران ایرانی در مسجد حاضر شده و برای اعمالی دوباره، مُحرم می شدند. در این میان، به استثنای کسانی که به جهت انجام حج نیابی، عمره مفرده را برای خودشان به جا می آورند، غالب آن ها به نیابت از

هم چنین حازم بن حیب را به پرداخت هزینه حج نیابی برای پدر و مادر در گذشته اش ترغیب می فرماید. ۱۵
عبدالرحمان بن سنان می گوید: خدمت امام صادق علیه السلام بودم که مردی به حضور وی آمد. حضرت سی دینار به او پرداخت که به نیابت از اسماعیل (فرزند امام صادق علیه السلام) حج انجام دهد و حتی هروله ۱۶ مستحبی در وادی محسر ۱۷ را فرو گذار نکرد. سپس فرمود: فلانی! اگر این کارها را انجام دهی، برای اسماعیل - که از مال خود خرج کرده - یک حج است و برای تو، که بدن خود را به رنج می افکنی، نُه حج خواهد بود. ۱۸

البته همان طور که عبادت نیابی، در بیشتر ابواب عبادت، به ویژه در حج تمتع راه یافته، نیابت در بعضی اعمال حج یا عمره هم مورد سفارش قرار گرفته است. طواف و نماز آن، از جمله این اجزاء است که به عنوان عبادتی مستقل معرفی شده است.

موسی بن قاسم از امام جواد علیه السلام اجازه می خواهد که به نیابت از امامان معصوم علیهم السلام طواف به عمل آورد، حضرت در پاسخ می فرماید: هر چه می توانی طواف کن که این جایز است.

بستگان یا شهدا و درگذشتگان خویش و بعضی به نیابت از ائمه اطهار علیهم السلام به ویژه امام حسن عسکری علیه السلام که حج به جا نیاورده‌اند، به احرام عمره مفرده احرام می‌بستند.

این تلاش‌های مشتاقانه، از تمایل زائران خانه خدا به عبادت بیشتر در این اماکن مقدسه و توجه به عبادت نیایی، حکایت داشت. گویی برای زائران محترم ایرانی علاوه بر سوغات مادی این سفر، شریک کردن خویشان و اقوام در ثواب عبادت‌ها سوغاتی معنوی بود که با خود به وطن می‌بردند.

نگارنده نیز بر اساس وظیفه‌ای که بر عهده گرفته بودم، در هر عملی از اعمال فریضه حج، به یاد منوب‌عنه خود بودم. مرحوم حاج عبدالله خاک‌نیا فردی متدین از اهالی شهرستان گراش از توابع لارستان استان فارس، که حدود دو سال پیش در جوار رحمت حق آرامید.

با این که تا پیش از حج، نه آن مرحوم را می‌شناختم و نه فامیل و شهر و دیارشان برایم آشنا بود، اما در آغاز هر عملی به یاد او بودم و خود را در جای او می‌دیدم. به وقت احرام بستن و لیکه گفتن و طواف گرد کعبه، به هنگام تکبیر نماز طواف، یا در سعی و تقصیر و وقوفین و اعمال روز

عید قربان و یا در طواف حج و سعی و طواف نساء و بالأخره همه جا، حاج عبدالله خاک‌نیا همدم و مونس خاطر من شده بود و توگویی احساس دوستی و خویشاوندی با وی داشتم. به همین جهت وقتی از سفر حج به شهرم، قم باز گشتم، پذیرش درخواست سرور گرامی‌ام جناب آیت‌الله سیدعباس معصومی امام جمعه سابق شهرستان گراش، که واسطه این نیابت بودند، مبنی بر سفر به شهر گراش برایم دشوار نمی‌نمود.

رسم خانواده مرحوم خاک‌نیا همچون سایر اهالی این شهر، این بود که از نایب در حج، همانند حاجی خویش استقبال کرده و مراسم ولیمه حج را با حضور او بر پا دارند. لذا پس از هماهنگی‌های لازم، چند روز پس از بازگشت از سفر حج، با پرواز تهران - بندرعباس به مقصد جنوب گرم کشور عزیزمان بار سفر بستم. در فرودگاه بندرعباس دو تن از اهالی خون گرم گراش به استقبال آمدند تا مسیر سه ساعته بندر تا گراش برایم آسان شود.

هوای گرم و شرجی بندرعباس، در آغازین روزهای بهمن ماه، برای هر تازه واردی زیبا می‌نمود و پهناوری و چهارفصلی ایران عزیز را یادآوری می‌کرد.



بیرق‌ها و کتیبه‌های عزای حسینی آراسته شده و برای اهالی شهر، سند افتخاری بر خادمی دستگاه اباعبدالله الحسین علیه السلام به حساب می‌آیند.

در شهر گراش، خانوادهٔ مرحوم خاک‌نیا نایب حج پدرشان را آن گونه استقبال کردند که اگر پدرشان در قید حیات بود آن می‌کردند. از ذبح قربانی تا چاوش خواندن و تبریک و خیر مقدم گفتن و نثار گل و شیرینی و سپس مراسم ولیمهٔ حج، همه نشان از روح سخاوت و معنویت این مردم داشت. این استقبال گرم و صمیمی در ذهن سؤالاتی را پدید آورد. با مطالعه‌ای که در این زمینه انجام دادم، به دست آوردم که در بسیاری از نقاط ایران اسلامی چنین سنت حسنه‌ای جاری است. در برخی از شهرها این رسم چنان اهمیتی دارد که یا نایب را از شهر خود بر می‌گزینند و یا اگر نایب اهل شهر دیگری باشد، شرط می‌کنند که در بازگشت از حج به شهرشان باز گردد و پیش از آن که به جایی دیگر رود، به منزل آنان گام بگذارد و در این هنگام است که منوب‌عنه یعنی فرد کهنسال یا در گذشتهٔ خود را حاجی می‌نامند.

در بعضی نقاط، حتی بدرقه کردن و خداحافظی قبل از سفر نیز اهمیت دارد.

بندری پر ازدحام از مسافران، ساکنان و دستفروشان که ماهی و میوه‌های گرمسیری، کالای با ارزش آنان بود. رانندگان بسیاری که کامیون‌های خود را برای به حرکت در آوردن چرخ صنعت و بازرگانی میهن اسلامی در کنار اسکله‌های شهید رجایی و شهید باهنر به صف کرده بودند و کشتی‌های بزرگ و کوچک، که در فاصلهٔ نسبتاً زیادی از بندر، در انتظار نوبت تخلیهٔ بار در اسکله‌ها ایستاده بودند. و... همه از جذابیت‌های بندرعباس بود.

سفر از بندرعباس تا شهرستان لار و سپس گراش سه ساعتی طول کشید. در استان فارس هر چه به لار نزدیک‌تر می‌شدیم نخلستان‌ها فراوان‌تر و باغات مرکبات انبوه‌تر می‌شد. در روستاهای کنار این جاده مساجدی را می‌دیدم که از نوع بنا و مناره‌های آن معلوم بود که مساجد برداران اهل سنت هستند.^{۲۰}

گراش، شهری کوچک اما زیبا و مذهبی است. زیبا به جهت دامنه‌های سرسبز کوهستانی‌اش، که پر از درختان مرکبات و نخلستان خرما است و منازل و خیابان‌هایی که با سلیقهٔ خوبی ساخته شده‌اند و مذهبی، به جهت فراوانی مساجد، حسینیه‌ها و اماکن مذهبی، که در آغازین روزهای ماه محرم الحرام با

پی نوشتها

- ۱ آل عمران : ۹۷
- ۲ الخصال، ص ۶۰۶ و راجع الحج و العمرة فی الكتاب و السنه، باب وجوب الحج و شرائطه، ص ۱۸۶
- ۳ الحج و العمرة فی الكتاب و السنه: ص ۲۲۵، باب فضل امان الحج.
- ۴ تهذیب الأحكام، ج ۵، ص ۴۴۲، ح ۱۵۳۷
- ۵ صحیفه سجادیه، دعای ۲۳
- ۶ من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۱۶، ح ۲۲۰۶
- ؛ الخصال، ص ۱۱۷، ح ۱۰۱
- ۷ الکافی، ج ۴، ص ۲۵۴، ح ۸
- ۸ من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۱۶، ح ۲۲۰۵
- ؛ الخصال، ص ۶۰، ح ۸۱
- ۹ امالی الطوسی، ص ۶۶۸، ح ۱۳۹۸؛ الحج و العمره فی الكتاب و السنه، ص ۲۲۹
- ۱۰ الحج و العمره فی الكتاب و السنه، ص ۴۴۷، باب فضیلت حج نیابی.
- ۱۱ السنن الکبری، بیهقی، ج ۵، ص ۲۹۳، ح ۹۸۵۵؛ کنز العمال، ج ۵، ص ۱۲۵، ح ۱۲۳۴۳
- ۱۲ السنن الدارمی، ج ۱، ص ۴۶۹، ح ۱۷۸۱؛ سنن ابی داود، ج ۲، ص ۱۶۲، ح ۱۸۱
- ۱۳ الکافی، ج ۴، ص ۳۱۲، ح ۲
- ۱۴ من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۲۲، ح ۲۲۳۹
- ۱۵ الغیبه للنعمانی، ص ۱۷۲، ح ۶
- ۱۶ هروله: رفتاری میان راه رفتن و دویدن، با شتاب راه رفتن.
- ۱۷ وادی محسر؛ سرزمین کوچکی است میان مشعر و منا. سالها پیش از طلوع
- مردم این شهرها خوش دارند که حج نایشان از شهر خودشان آغاز شود. پس با او برای انجام حج بلدی؛ یعنی حجی که از شهر خودشان آغاز شود، پیمان می بندند.
- پس دریافتیم این سنت حسنه، نه ویژه این شهر، که در میان بیشتر مردم کشورمان، به ویژه مردم خون گرم و متدین جنوب از خوزستان تا هرمزگان جاری است و من اکنون میهمان یکی از این خانه های گرم و صمیمی هستم.
- برای این خانواده متدین که میهمان خود را با اشک چشم، خیر مقدم می گفتند، شاید ظرف آبی از چشمه زمزم، بهترین هدیه بود که آنان قدر آن را خوب شناختند.
- صبح فردا خاطرات خود را در حالی مرور می کردم که کوه های سفید از برف و زیبای سرزمینی پهناور ایران از پنجره هواپیما دیدگانم را نوازش می کرد... والسلام.



سخنان خطیب که محکوم کردن توسل به ارواح مقدسه اولیا و ائمه اطهار علیهم السلام بود و با عقیده شیعیان ناسازگار، با درایتی ستودنی گفت: البته جناب شیخ مطالبی هم می‌فرمایند که چون برادران شیعه ما در مجلس حاضرند و هم‌چنین در موسم حج هستیم که ایام وحدت و برادری مسلمانان است، از ترجمه این بخش از سخنان شیخ خودداری می‌کنم. مصلحت سنجی این برادر اهل سنت ما حقیقتاً ستودنی بود که مورد تشویق ایرانیان حاضر در مسجد قرار گرفت.

اسلام، سپاه ابرهه که به قصد تخریب کعبه لشکر کشی کرده بودند، به اراده خداوند، در این مکان توسط پرنندگان کوچکی سنگباران شده و از میان رفتند.

۱۸ الکافی، ج ۴، ص ۳۱۲، ح ۱

۱۹ الکافی، ج ۴، ص ۳۱۴، ح ۲

۲۰ این مساجد در جنوب استان فارس مرا به یاد خاطره شیرینی در حج امسال انداخت.

در مسجدی در شهر مکه خطیب وهابی پس از نماز جماعت سخنرانی می‌کرد. موضوع سخنان او توسل از دیدگاه اسلام بود. وی توسل را دارای اقسامی معرفی کرد که به عقیده او برخی از آن‌ها حلال و مشروع و برخی نامشروع شمرده می‌شد.

او توسل به اولیاءالله و ارواح شهدا و امامان را از مصادیق توسل نامشروع دانسته و آن را نزدیک به شرک می‌شمرد. فردی از روحانیان اهل سنت کشورمان که از کاروان‌های جنوب استان فارس به مکه آمده بود، داوطلب شده بود تا سخنان خطیب را برای ایرانیان حاضر در مسجد به فارسی ترجمه کند. این اقدام او ابتدا بر ما گران آمد و باعث تعجب ما شده بود، اما به وقت ترجمه، متوجه شدیم که مترجم از همه سخنان خطیب آن قسمت را که مورد اتفاق شیعه و سنی بود به خوبی و شیوایی ترجمه و تفسیر نمود ولی در آن بخش از